

# تأثیر ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) بر قیامهای علوی دوره خلافت مأمون

دکتر مهدی جلیلی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده

در این مقاله ابتدا اشاره‌ای مختصر به شرایط سیاسی، اجتماعی و ناآرامیهای دوره خلافت هارون، امین و مأمون شده، پس از آن بستر و زمینه‌ای که موجب شد علویان در سالهای نخست خلافت مأمون در عراق، حجاز و یمن قیام کنند، بیان گردیده‌است. همچنین چگونگی قیامهای ابن طباطبا، محمد دیباج و ابراهیم بن موسی کاظم، که پیش از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) بوده‌است، مطرح شده و با اشاره‌ای گذرا به چگونگی ولایتعهدی امام رضا(ع) انگیزهای مأمون از این کار مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است. در این جا نویسنده درصدد اثبات این نکته است که انگیزه مأمون و فضل بن سهل از ولایتعهدی، بهره‌برداری و تحقق آرمانهایشان بوده‌است.

مأمون درصدد بود با ایجاد تفرقه در میان علویان، قیامهای علوی را سرکوب کند و فضل بن سهل، که رؤیای استقلال ایران را در سر داشت، درصدد بود با استفاده از شرایطی که به دنبال‌گشته شدن امین بوجود آمده بود، منظور خود را عملی سازد. در پایان مقاله نیز، تأثیر ولایتعهدی امام رضا(ع) بر قیامهای علوی کوفه، حجاز، یمن و چگونگی غلبه مأمون بر فرمانروایان علوی و رابطه علویان و مأمون بعد از شهادت امام رضا(ع)، مورد بررسی قرار گرفته است.

امام علی بن موسی الرضا(ع) از سال ۱۸۳ تا ۲۰۳ هجری به مدت بیست سال رهبری شیعیان را عهده‌دار بودند که هیجده سال آن را در مدینه - یکی از پایگاههای اصلی تشیع در دوره پیش از غیبت صغری - اقامت داشتند و کمتر از دو سال آن را در خراسان بودند. نیمه اول دوران امامت علی بن موسی الرضا(ع) مصادف بود با دوران خلافت هارون (۱۷۰-۱۹۳ هجری) و نیمه دوم آن با پنج سال خلافت امین (۱۹۳-۱۹۸ هجری) و سالهای آغاز خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ هجری) مصادف بود.

هارون یکی از دشمنان سرسخت علویان بود و سرکوبی شیعیان را در سرلوحه برنامه کار خود قرارداد و به تعبیر خوارزمی، شجره نبوت را بر چید و نهال امامت را از ریشه برکنند.<sup>(۱)</sup> هارون سوگند خورده بود که علویان و هرکسی که از آنان پیروی کند را ریشه کن سازد.<sup>(۲)</sup> او در آغاز خلافت دستور داد طالبیان را از بغداد اخراج کنند و آنها را به مدینه ببرند.<sup>(۳)</sup> وی در مدینه نیز علویان را رها نکرد و به والی مدینه نوشت هر یک از علویان باید ضامن یک علوی دیگر شود تا در صورت تخلف ضامن او مجازات شود.<sup>(۴)</sup>

هارون امام موسی کاظم(ع) را که سالها در زندان بودند به شهادت رساند و ادریس بنی عبدالله را که در مغرب قیام کرد و نخستین دولت شیعی را تأسیس کرد و یحیی بن عبدالله را به شهادت رساند. سختگیری و خشونت‌های هارون در دوره امامت موسی بن جعفر(ع) نسبت به علویان در پیش گرفت و ضربه‌ای که بر آنان وارد کرد، موجب شد که شیعیان از فعالیتهای علنی دست بردارند و سیاست تقیه و مخفی کاری را در پیش گیرند. هارون در سالهای آخر خلافت، بخصوص بعد از آن که برامکه را از کار برکنار کرد، اقتدار پیشین را نداشت و حوادثی در قلمرو خلافتش

۱- به نقل از زندگی سیاسی امام رضا(ع)، ص ۸۴.

۲- همان جا، ص ۸۴ به نقل از افغانی، ج ۵، ص ۲۲۵.

۳- کامل التواریخ، ج ۶، ص ۱۱۴.

۴- زندگی سیاسی امام رضا(ع)، صص ۸۴-۸۵.

روی داد که ناتوانی او را آشکار ساخت. این حوادث عبارت بود از:

- شورش اعراب در مصر و شام<sup>(۱)</sup>
- بدرفتاری علی بن عیسی بن ماهان با مردم در خراسان و شورش مردم علیه او<sup>(۲)</sup>
- قیام رافع بن لیث در سال ۱۹۰ هجری<sup>(۳)</sup>
- شورش حمزه بن آذرک در سیستان و عزل هارون از خلافت<sup>(۴)</sup>
- آشکار شدن نتایج سوء ولایتعهدی امین و مأمون که منجر به رقابتهای پشت پرده درباریان گردید و هر یک از شخصیتهای دربار، از یکی از دو ولیعهد جانبداری می کردند.
- پیروزی سلسله بنی ادریس در مغرب، که پس از حدود یک قرن مبارزه شیعه نخستین دولت شیعی در اسلام تشکیل شد و هر چند هارون الرشید با حيله موفق شد که ادریس اول را به شهادت برساند، اما نتوانست بر دولت ادریسیان غلبه یابد و مجبور شد برای مقابله با آن بخشی از شمال افریقا را به بنی اغلب واگذار کند.
- هارون که در سالهای آخر خلافتش سرگرم آرام ساختن آشوبهایی بود که در سراسر قلمرو خلافتش روی داده بود، متعرض علی بن موسی الرضا (ع) و سایر علویان نشد. علویان نیز به سبب ضربه‌ای که در سالهای اول خلافت هارون به آنان وارد شد و دلایل متعدد دیگر از جمله نداشتن، تجهیزات و آمادگی لازم، تقیه، نبودن رهبر و پیشوا برای آن بخش از شیعیان که قیام به سیف را جایز می دانستند، دست به اقدام نظامی نزدند و بیشتر به زمینه‌سازی و تبلیغ پرداختند و منتظر شرایط مساعدی بودند که علیه عباسیان قیام کنند.
- بعد از مرگ هارون در سال ۱۹۳ هجری، امین به خلافت رسید و از همان

۱- کامل التواریخ، ج ۶، صص ۳۳-۱۲۷ و ۱۴۱.

۲- همان جا، صص ۲-۱۹۱ و ۴-۲۰۳.

۳- همان جا، ص ۱۹۵.

۴- تاریخ سیستان، ص ۱۶۲ به بعد.

آغاز دشمنی میان امین و مأمون آشکار شد؛ زیرا فضل بن ربیع که همراه هارون عازم خراسان بود، برخلاف «وصیت او پس از مرگش باروبنه و تجهیزات اردوی وی را که می‌بایست در اختیار مأمون باشد، به امین سپرد. (۱) در سال ۱۹۴ هجری امین در صدد برآمد که برخلاف وصیت هارون، مأمون را از ولایتعهدی عزل کند و موسی پسر خود را ولیعهد کند. این تصمیم امین مایه دشمنی میان دو برادر و به جنگ میان آن دو منجر شد که در نهایت امین در سال ۱۹۸ هجری به وسیله سردارن مأمون در بغداد محاصره و کشته شد. در جنگ میان دو برادر ایرانیان از مأمون و اعراب از امین حمایت کردند. دشمنی میان دو برادر، که بیش از چهار سال به درازا کشید، گذشته از آن که خسارتهای سنگینی به بغداد وارد کرد، ناآرامیهایی نیز در پی داشت و شورشهایی در گوشه و کنار قلمرو خلافت عباسی به وجود آورد. این حوادث که مصادف بود با سالهای دهم تا پانزدهم امامت علی بن موسی الرضا (ع)، موجب شد که امین متعرض علویان نشود و امام نیز از فرصت استفاده کردند و علاوه بر اداره امور شیعیان و پاسخگویی به سؤالات دینی مسلمانان و غیر مسلمانان، باتشکیل مجالس بحث و مناظره و خصوصاً با طرح احادیث مربوط به توحید به شبهه‌های رایج در جامعه پاسخ دادند. (۲) در دوره خلافت امین هیچ‌یک از علویان قیام نکردند، ولی تشیع در حال گسترش بود و حتی در دربار هم نفوذ داشت و بعضی از شخصیتها آن را پذیرفته بودند (۳) و نمایندگان علی بن موسی الرضا (ع) نیز در سرزمینهای اسلامی فعال بودند. (۴)

سالهای آغاز خلافت مأمون، که مصادف بود با پنج سال آخر امامت علی بن موسی الرضا (ع)، سرزمینهای اسلامی با بحرانهای سیاسی و نظامی زیادی به شرح زیر مواجه بود.

۱- کامل التواریخ، ج ۶، ص ۲۲۲ به بعد، تاریخ فخری، ص ۲۹۳. ۲- تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰۵ به بعد.

۳- تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰۵ به بعد.

۴- تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰۵ به بعد.

۵- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۶.

۱- تغییر مرکز خلافت از بغداد به مرو موجب رنجش مردم عراق گردید و از انتصاب حسن بن سهل به عنوان فرمانروای عراق ناراضی بودند و به بهانه این که مأمون خلیفه قانونی را کشته، با حسن بن سهل به مخالفت پرداختند و منصور بن مهدی را به عنوان نایب مأمون و فرمانروای عراق پذیرفتند.<sup>(۱)</sup>

۲- مصر و شام نیز ناآرام بود. اعراب ساکن مصر در خوف که از سالها قبل شورش کرده بودند، چون از رخدادهای بغداد با خبر شدند در صدد برآمدند مصر را از قلمرو خلافت عباسی خارج سازند.<sup>(۲)</sup> نصرین شبت عقیلی، که از اعراب حامی امین بود، بعد از کشته شدن او در اطراف حلب شورش کرد و مردم جزیره و حران نیز از او حمایت کردند.<sup>(۳)</sup>

۳- بابک خرم دین در سال ۲۰۱ هجری در آذربایجان قیام کرد.<sup>(۴)</sup>

۴- شورش خوارج که از زمان خلافت هارون در سیستان آغاز شده بود، در دوره خلافت مأمون نیز ادامه داشت.

۵- علویان زیدی مذهب نیز که نخستین موفقیت نظامی - سیاسی را در دوره خلافت هارون به دست آورده بودند، در صدد برآمدند ضربه نهایی را بر پیکر خلافت عباسی وارد سازند، لذا با قیامی هماهنگ و شغاری فراگیر همه علویان را به مبارزه علیه مأمون دعوت کردند. زیدیه‌ها با همکاری پیروان احمد بن موسی کاظم و پیروان محمد دیباج پسر امام جعفر صادق (ع) همراه با بخشی از شیعه امامیه که بدون دستور مستقیم علی بن موسی الرضا (ع) وارد عمل شدند،<sup>(۵)</sup> جبهه متحدی علیه مأمون بوجود آوردند.

۱- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۳۵.

۲- تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳- کامل التواریخ، ج ۶، ص ۲۹۷.

۴- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۴۱.

۵- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۳.

### قیامهای علوی در آغاز خلافت مأمون

برخورد خشونت‌آمیز هارون با علویان سبب شد که بعد از شهادت امام موسی کاظم (ع) به مدت حدود پانزده سال هیچ یک از علویان قیام نکنند. در این مدت علویان تبلیغات گسترده‌ای را آغاز کردند. تأسیس نخستین دولت علوی در مغرب در سال ۱۷۲ هجری نیز آنان را امیدوار ساخت. پیروزی مأمون بر برادرش امین با همکاری ایرانیها، که به تشیع تمایل داشتند، و قدرت یافتن فضل بن سهل و ظاهر ذوالیمینین که تمایلات شیعی داشتند و ناآرامیهای سیاسی در شرق و غرب خلافت علویان را به قیام علیه مأمون تشویق کرد و پیش از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا (ع) در مدت حدود سه سال چند قیام علوی به شرح زیر در حجاز، یمن و عراق روی داد:

### قیام ابن طباطبأ

در جمادی الاخر سال ۱۹۹ هجری، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن اسماعیل مشهور به ابن طباطبأ در کوفه قیام کرد.<sup>(۱)</sup> او از سادات حسنی و نخستین علوی بود که در آغاز خلافت مأمون و پیش از انتقال مرکز خلافت از مرو به بغداد قیام کرد. ابن طباطبأ در مدینه اقامت داشت. نصر بن شیبیب یکی از شیعیان جزیره که برای زیارت خانه کعبه به حجاز آمده بود، از وی خواست که برای قیام علیه عباسیان از مدینه به عراق آید. ابن طباطبأ به عراق آمد، ولی بستگان نصر حاضر نشدند ابن طباطبأ را یاری نمایند و او به مدینه بازگشت. در بین راه ابن طباطبأ، سری بن منصور مشهور به ابوالسرایا را که از مخالفان دولت عباسی بود و پیش از آن در ناحیه سواد شورش کرده بود، دیدار کرد<sup>(۲)</sup> و توافق کردند که آن دو علیه عباسیان قیام کنند و در کوفه قرار ملاقات گذاشتند.

۱- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۷.

۲- مقاتل الطالبیین، صص ۴۶-۳۴۵.

ابن طباطبا به کوفه رفت و به تبلیغ پرداخت و گروه زیادی دعوتش را پذیرفتند. چون ابوالسرایا به کوفه رسید مراسم بیعت براساس آنچه مورد پسند خاندان پیامبر(ص) است و عمل به قرآن و سنت پیامبر و امر به معروف و نهی از منکر انجام شد<sup>(۱)</sup> و ابوالسرایا فرماندهی نظامی قیام ابن طباطبا را عهده‌دار شد. قیامهای علوی پیش از دوره خلافت مأمون بیشتر در نقاط دوردست و در خارج از عراق رخ داده بود. قیام ابن طباطبا که در کوفه در نزدیکی مرکز خلافت عباسیان رخ داد، می‌توانست تهدیدی جدی برای خلافت عباسیان و بخصوص برای خلافت مأمون باشد.

دو عامل سبب شد که ابن طباطبا قیام کند: نخست نابسامانی اوضاع سیاسی دولت عباسی بود که در نتیجه غلبه یافتن فضل بن سهل بر امور خلافت بوجود آمد، به نحوی که مأمون در کاخش تحت نظر بود و فضل حتی مانع می‌شد که بستگان و خواص و نزدیکانش با او تماس بگیرند.<sup>(۲)</sup> عباسیان و سایر شخصیت‌های برجسته عراق از این وضع ناراضی بودند و بر حسن بن سهل، که والی عراق بود، گستاخ شدند و او را از فرمانروایی عزل کردند. ابن طباطبا از این فرصت استفاده کرد و علیه عباسیان قیام کرد. دوم این که علویان، که پیوسته در صدد قیام بودند، فرصت را مناسب یافتند و ابوالسرایا، که از مخالفان عباسیان بود، ابن طباطبا را به قیام تشویق کرد.<sup>(۳)</sup> با حمله مشترک ابن طباطبا و ابوالسرایا شهر کوفه در سال ۱۹۹ هجری فتح شد و فضل بن عیسی بن موسی والی شهر به بغداد گریخت.

حسن بن سهل، زهیر بن مسیب را با لشکری برای جنگ با ابن طباطبا روانه کوفه کرد. در هر دو جنگی که میان دو طرف روی داد، علویان پیروز شدند؛ ولی شبیخون زدن ابوالسرایا به سپاه زهیر بن مسیب موجب اختلاف نظر میان ابن

۱- همان‌جا، ص ۳۴۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۷.

۳- همان‌جا، ص ۱۱۷.

طباطبا، که به شدت بیمار بود، و ابوالسرایا گردید. (۱) ابن طباطبا وصیت کرد که مردم را در انتخاب جانشین او آزاد بگذارند تا هر کس را که خواستند از علویان انتخاب کنند و اگر اختلاف نظر پیش آمد امامت با علی بن عبیدالله باشد. (۲) قیام ابن طباطبا، که از کوفه آغاز شد، به سرعت در عراق، اهواز، فارس حجاز و یمن گسترش یافت.

ابن طباطبا در رجب سال ۱۹۹ هجری فوت کرد و به روایتی ابوالسرایا وی را مسموم کرد و چون علی بن عبیدالله، که ابن طباطبا او را به جانشینی خود تعیین کرده بود، رهبری روحانی قیام را نپذیرفت، ابوالسرایا محمد بن محمد بن زید را که جوان کم سن و سالی بود، به عنوان رهبر روحانی انتخاب کرد (۳) و مراسم بیعت انجام شد و پس از آن ابوالسرایا همه امور را در اختیار خود گرفت. محمد بن محمد بن زید چند تن از علویان را به عنوان والی برخی از شهرها به شرح زیر تعیین کرد:

- ۱- اسماعیل بن علی بن اسماعیل بن جعفر به نیابت از محمد بن محمد بن زید فرمانروای کوفه شد. (۴)
- ۲- ابراهیم بن موسی بن جعفر به عنوان والی یمن تعیین شد، که پس از زد و خوردی مختصر وارد یمن شد. (۵)
- ۳- زید بن موسی بن جعفر والی اهواز شد و چون در راه رفتن به محل مأموریت وارد بصره شد، دستور داد خانه‌های بنی عباسی را بسوزانند و به این جهت او را «زیدالنار» نامیدند. (۶)

۱- مقاتل الطالبیین، صص ۵۳-۳۴۹.

۲- همان جا، ص ۳۵۴.

۳- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۸.

۴- مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۵.

۵- همان جا، ص ۳۵۵.

۶- همان جا، ص ۳۵۵.

۱- ۸۳۶، ص ۱۰۰.

۲- ۷۱۱، ص ۷۰ و ۷۱.

۳- ۷۱۱، ص ۱۰۰.



۴- عباس بن محمد بن عیسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر فرمانروای بصره شد و چون او و علی بن جعفر بن محمد وزید بن موسی بن جعفر از سه جبهه بصره را مورد حمله قرار دادند، حسن بن علی، والی شهر، که از جانب عباسیان فرمانروایی می‌کرد، نتوانست در مقابل علویان مقاومت کند و مجبور به فرار شد. (۱)

۵- حسین بن حسن افضس فرمانروای مکه شد. او بدون جنگ وارد شهر شد و اداره شهر را به دست گرفت و در سال ۱۹۹ هجری «امیرالحاج» شد. (۲)

۶- جعفر بن محمد بن زید بن علی و حسین بن ابراهیم بن حسن بن علی والی واسط شدند که بعد از جنگ سختی که میان آن دو و والی عباسی شهر روی داد، واسط به تصرف جعفر بن محمد و حسین بن ابراهیم درآمد. (۳)

۷- محمد بن سلیمان بن داوود بن حسن فرمانروای مدینه شد. (۴)

بعد از شکست زهیر بن مسیب، حسن بن سهل، عبدوس بن ابی خالد

مرورودی را با چهار هزار سپاهی به جنگ ابوالسرایا فرستاد. در رجب سال ۱۹۹

هجری جنگی میان دو طرف روی داد که به پیروزی ابوالسرایا انجامید و عبدوس

کشته شد. (۵) بعد از این پیروزی علویان در سایر شهرها قیام کردند و ابوالسرایا سکه

درهم و دینار زد (۶) و هر روز خبر موفقیت علویان به کوفه می‌رسید. مردم شام

و جزیره به محمد بن محمد، رهبر روحانی علویان، نامه نوشتند که ما در انتظار

فرستاده تو هستیم تا سر به فرمانت درآوریم و دستورات را انجام دهیم. (۷)

۱- همان جا، ص ۳۵۵.

۲- جهاد الشیعه، ص ۳۲۶.

۳- مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۵.

۴- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۲۰.

۵- همان جا، ص ۱۱۸.

۶- همان جا، ص ۱۱۸.

۷- مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۵.

قیام علویان حسن بن سهل حاکم عراق را با مشکل مواجه ساخت و در صدد برآمد به هر نحو که بتواند ابوالسرایا را سرکوب نماید و از گسترش قیام علویان جلوگیری کند. حسن به سهل از هرثمه بن اعین درخواست کرد با ابوالسرایا، بجنگد، هرثمه که از والی عراق رنجیده خاطر بود، با اکراه پذیرفت و با حدود سی هزار نفر سواره و پیاده عازم جنگ ابوالسرایا شد.<sup>(۱)</sup> در هر دو جنگی که میان ابوالسرایا و هرثمه روی داد، ابوالسرایا پیروز شد و به روایت ابوالفرج اصفهانی هرثمه بن اعین به وسیله یکی از سربازان ابوالسرایا اسیر شد و شایع شد که او کشته شده است، ولی سرداران هرثمه توانستند او را آزاد کنند.<sup>(۲)</sup>

هرثمه که در جنگ نتوانست بر ابوالسرایا غلبه کند به حيله دست زد و با تفرقه در سپاه ابوالسرایا، یاران او را پراکنده ساخت.<sup>(۳)</sup> سرانجام ابوالسرایا دستگیر شد و به دستور حسن بن سهل در بغداد به دار آویخته شد و محمد بن محمد بن زید را به مرو نزد مأمون فرستاد. قیام ابوالسرایا حدود ده ماه ادامه داشت<sup>(۴)</sup> و دویست هزار نفر از لشکریان عباسی کشته شدند.<sup>(۵)</sup>

### قیام محمد بن جعفر صادق

قیام علوی دیگری که در دوره اقامت مأمون در مرو و پیش از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا (ع) رخ داد، قیام محمد پسر امام جعفر صادق (ع)، معروف به محمد دیباج بود. تاریخ نگاران در مورد مرکز قیام محمد و زمان آن اختلاف نظر دارند. به روایت ابوالفرج اصفهانی، محمد دیباج در مدینه و پیش از مرگ ابوالسرایا

۱- همان جا، ص ۵۷-۵۸.

۲- همان جا، ص ۵۷-۵۸.

۳- همان جا، ص ۵۷-۵۸.

۴- همان جا، ص ۵۷-۵۸.

۵- همان جا، ص ۵۷-۵۸.

۱- همان جا، ص ۵۷-۳۵۶؛ تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۹.

۲- مقاتل الطالبیین، ص ۳۶۳.

۳- همان جا، ص ۳۶۳.

۴- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۳-۱۲۲.

۵- مقاتل الطالبیین، ص ۳۶۶.

قیام کرد<sup>(۱)</sup> و به روایت طبری، قیام او در مکه و بعد از دستگیری ابوالسرایا بود.<sup>(۲)</sup> محمد بن جعفر پیری بود نرمخو که نزد مردم محبوب بود و از پدرش جعفر بن محمد (ع) حدیث روایت می کرد. او در ربیع الاخر سال ۲۰۰ هجری قیام کرد و علویان با وی بیعت کردند و او را امیر المؤمنین نامیدند.<sup>(۳)</sup> به گفته طبری انگیزه قیام محمد دیباج به درخواست شیعیان و اصرار پسرش علی و حسین بن حسن افضس بود.<sup>(۴)</sup> مسعودی گوید: محمد ابتدا به نام ابن طباطبا دعوت می کرد و بعد از مرگ او مردم را به نام خودش دعوت کرد.<sup>(۵)</sup> ابوالفرج اصفهانی گوید: در روزگار ابوالسرایا کسی نامه ای نوشت به حضرت فاطمه زهرا (س) و به خاندان ایشان ناسزا گفت. محمد بن جعفر، که فردی گوشه نشین بود و در سیاست دخالت نمی کرد، چون از مضمون نامه باخبر شد لباس رزم پوشید و مردم را به خود خواند.<sup>(۶)</sup> علاوه بر عوامل فوق، شاید ناآرامیهای سیاسی حاکم بر دربار عباسیان در دوره اقامت مأمون در مرو و آشفتگی وضع عراق بعد از قیام ابوالسرایا و ناتوانی حسن بن سهل، محمد بن جعفر را به قیام علیه عباسیان وادار کرد.

اسحاق بن موسی از یمن به مقابله محمد دیباج آمد و پس از چند روز نبرد از ادامه جنگ با محمد منصرف شد. و رقاء بن جمیل، یکی دیگر از سرداران عباسی، و یارانش اسحاق را تشویق کردند که با وی بجنگد و در جنگی که در بئر میمون روی داد، محمد شکست خورد و تسلیم شد. در ذی حجه سال ۲۰۰ هجری، سرداران عباسی در مکه مجلسی ترتیب دادند و در آن محمد بن جعفر، خود را از خلافت

۱- همان جا، ص ۳۵۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۲۵.

۳- همان جا، ص ۱۲۵.

۴- همان جا، ص ۱۲۵.

۵- مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۰.

۶- مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۹.

خلع کرد. محمد دستگیر شد و او را به مرو نزد مأمون فرستادند. (۱)

### قیام ابراهیم بن موسی کاظم

در سال ۲۰۰ هجری، همزمان با قیام ابن طباطبا در کوفه، ابراهیم بن موسی کاظم در یمن قیام کرد. او که در مکه بود همراه بستگانش به یمن رفت. اسحاق بن موسی، والی یمن، که مایل نبود با علویان بجنگد، از آن جا خارج شد و ابراهیم بن موسی بر یمن غلبه یافت. (۲) ناآرامیهای سیاسی قلمرو خلافت عباسی و دوری یمن سبب شد که مأمون اسحاق بن موسی را از فرمانروایی یمن عزل کند و به جای او محمد (حمدویه) بن علی بن عیسی بن ماهان را بگمارد؛ ولی لشکری را برای مقابله با ابراهیم بن موسی روانه یمن نکرد. (۳) به روایت یعقوبی، حمدویه بن علی بن عیسی مأمور شد که در یمن با ابراهیم بن موسی بن جعفر بجنگد. میان دو طرف جنگ سختی روی داد و هر دو تلفات سنگینی متحمل شدند و حمدویه در یمن استقرار یافت و ابراهیم بن موسی از یمن به مکه رفت. یزید بن محمد بن حنظله مخزومی، جانشین امیر مکه، اطراف شهر خندق حفر کرد و مانع ورود ابراهیم بن موسی شد. سرانجام ابراهیم بن موسی بر مکه غلبه یافت و یزید بن محمد به هزیمت رفت. (۴) حمدویه بن علی بن ماهان در یمن از اطاعت مأمون خارج شد. بعد از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا (ع) ابراهیم بن موسی، که بر مکه فرمانروایی داشت و خلافت مأمون و ولایتعهدی امام رضا (ع) را پذیرفته بود، از جانب مأمون مأمور جنگ با حمدویه بن علی شد. ابراهیم با پسر حمدویه جنگید و پیروز شد و رهسپار صنعا گردید و در جنگی که میان حمدویه و ابراهیم روی داد، صنعا ویران

۱- ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷

شد و جمع زیادی از یاران ابراهیم کشته شدند.<sup>(۱)</sup> ابراهیم بعد از انجام مأموریت به مکه بازگشت، ولی او دستگیر شد و پیش مأمون فرستاده شد.<sup>(۲)</sup>

### ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع)

مأمون و کارگزارانش در بخش وسیع از قلمرو خلافت با شورشهای علویان و غیر علویان مواجه بودند و طی سه سال چندین لشکر برای سرکوب مخالفان به اطراف فرستادند. مأمون که از جانب علویان بیشتر احساس خطر می کرد با جدیت به تعقیب آنان پرداخت و حتی برخی از آنان را دستگیر و به شهادت رساند؛ ولی نهضت علویان همچنان ادامه داشت و با شهادت هر یک، علوی دیگری جای آنان را می گرفت. در آغاز سده سوم هجری علویان به عنوان یک قدرت سیاسی و نظامی فعال خلافت مأمون را در معرض تهدید جدی قرار داده بودند مأمون که در مقابل آنان ناتوان شده بود، می بایست روش دیگری جز برخورد نظامی در پیش می گرفت. او می دانست که عباسیان در فاصله حدود نیم قرن سه بار برخورد خشونت آمیز با علویان داشته اند، و اگر چه به سختی قیام علویان را سرکوب کردند، ولی نتوانستند مانع گسترش تشیع شوند.

مأمون در سال ۲۰۱ هجری علی بن موسی الرضا(ع) را از مدینه به مرو احضار کرد و حتی مسیر حرکت امام را تعیین کرد. پس از ورود امام به مرو، مأمون ابتدا خلافت را به ایشان پیشنهاد کرد و چون امام نپذیرفتند ولایتعهدی را پیشنهاد کرد و بعد از چند ماه مذاکره، با تهدید، علی بن موسی الرضا(ع) را وادار به قبول ولایتعهدی کرد.<sup>(۳)</sup> در رمضان سال ۲۰۱ هجری طی مراسم و تشریفات خاصی ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) برگزار شد و مأمون دستور داد نام امام در خطبه ذکر شود و رنگ سبز به عنوان شعار عباسیان پذیرفته شود. امام ولایتعهدی را به این

۱- همان جا، ص ۴۶۶.

۲- همان جا، ص ۴۷۴.

۳- همان جا، ص ۴۶۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۱؛ مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۵.

شرط پذیرفتند که در کارها دخالتی نداشته باشند.<sup>(۱)</sup> مأمون با این اقدام می توانست از حمایت شیعه امامیه به طور عام و از حمایت شیعیان خراسان که برای غلبه بر امین با او همکاری کرده بودند به طوری خاص برخوردار گردد و آن بخش از شیعه امامیه را که بدون اطلاع علی بن موسی الرضا(ع) به قیام ابوالسرایا پیوسته بودند را به کنار گذاشتن فعالیتهای نظامی و ادار کند.

### انگیزه های ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع)

تاریخ نگاران انگیزه مأمون را از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) به اختلاف ذکر کرده اند. به گفته طبری انگیزه مأمون از ولایتعهدی امام آن بود که چون او در صدد برآمد جانشینی برای خود تعیین کند، فردی را برتر و پرهیزگارتر و داناتر از علی بن موسی الرضا(ع) نیافت.<sup>(۲)</sup>

ابوالفرج اصفهانی گوید مأمون در خلال جنگ با برادرش امین، نذر کرد که اگر بر او غلبه یابد خلافت را به یکی از علویان واگذار کند.<sup>(۳)</sup> سیوطی گرایش شدید مأمون به تشیع را عامل موثر در ولایتعهدی امام می داند.<sup>(۴)</sup> برخی انگیزه های دیگر که برای ولایتعهدی امام ذکر شده است، به شرح زیر می باشد:<sup>(۵)</sup>

- اعمال محدودیت در مورد امام و تحت نظر گرفتن و دور کردن ایشان از پایگاه اجتماعی.  
- جلب رضایت خاطر ایرانیان، که مأمون را در جنگ با امین یاری کرده بودند.

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۶.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۳۹.

۳- مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۵.

۴- تاریخ الخلفاء، ص ۲۶۳.

۵- تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع)، صص ۹۸-۱۰۰؛ زندگی سیاسی امام رضا(ع)، ص ۲۰۳.

به بعد.

- بهره‌برداری از وجهه اجتماعی امام برای تثبیت حکومت مأمون.  
 - واکنش نشان دادن نسبت به اقدام عباسیان در بغداد، که حسن بن سهل را به عنوان والی عراق نپذیرفتند و منصور بن مهدی را به عنوان نایب مأمون در عراق به رسمیت شناختند.  
 علاقه شدید مأمون به خلافت و چهار سال جنگ برای به دست آوردن آن و تجزیه و تحلیل شرایط و نحوه انتخاب امام به ولایتعهدی و عملکرد مأمون بعد از آن، پذیرش این را که مأمون صرفاً به خاطر لیاقت و پرهیزکاری یا به خاطر عمل به نذر و یا گرایش به تشیع، امام رضا (ع) را به ولایتعهدی انتخاب کرد، غیرممکن می‌سازد. به نظر می‌رسد با توجه به سیاستی که عباسیان از آغاز خلافت در پیش گرفته بودند و واکنشی که امامان معصوم از خود نشان دادند، محدودیت امام و دور کردن ایشان از پایگاه تبلیغی مانع انجام برنامه تبلیغی امام نمی‌شد. خلفای عباسی از زمان منصور سیاست مراقبت و نظارت بر رفتار امامان معصوم را به مرحله اجرا در آوردند. آنان برای مقابله با این اقدام خلفای عباسی نظام ارتباط مخفی یا سازمان وکالت را بوجود آوردند<sup>(۱)</sup> و با تعیین وکلا بخش مهمی از وظایف خود را در دورانی که تحت نظر بودند به آنان واگذار کردند. بنابراین محدودیت امام رضا (ع) نمی‌توانست تأثیر مهمی در فعالیتهای ارشادی و تبلیغی ایشان داشته باشد و نمی‌توان آن را انگیزه اصلی ولایتعهدی دانست.  
 جلب رضایت ایرانیان را نیز نمی‌توان انگیزه اصلی ولایتعهدی امام رضا (ع) دانست؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد که مأمون صرفاً برای سپاسگزاری از ایرانیان که به او کمک کردند تا خلافت را به چنگ آورد، حاضر شده باشد دست به اقدامی بزند که در نتیجه آن خلافت برای همیشه از خانواده عباسی به علویان انتقال یابد. استفاده از وجهه اجتماعی امام رضا (ع) برای تثبیت حکومت مأمون با قیامهای علوی ارتباط دارد، که بعداً به آن خواهیم پرداخت.  
 واکنش نسبت به اقدام عباسیان که در بغداد با او به مخالفت پرداختند، نیز

۱- برای اطلاع بیشتر، رک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۴۰-۱۳۴.

نمی‌تواند انگیزه اصلی ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) تلقی شود؛ زیرا علت اصلی نارضایی مردم بغداد از مأمون انتقال مرکز خلافت از بغداد به مرو و غلبه فضل بن سهل بر مأمون بود. او به جای این که دست به اقدامی بزند که خلافتش در معرض تهدید قرار گیرد - همان‌طور که بعد از بهره‌برداری از ولایتعهدی امام و رسیدن به مقصود عمل کرد - می‌توانست فضل بن سهل را از میان بردارد و بغداد را مرکز خلافت قرار دهد. گذشته از آن اولاً مخالفت عباسیان با مأمون قیام ریشه‌دار و عمیقی نبود که او احساس خطر کند و برای مقابله با آن واکنش نشان دهد؛ ثانیاً ولایتعهدی امام رضا(ع) نه تنها موجب سازش مأمون و سایر عباسیان نشد، بلکه اختلاف را بیشتر کرد و بعد از اعلام ولایتعهدی امام رضا(ع) مردم بغداد مأمون را از خلافت عزل کردند و به نام ابراهیم بن مهدی خطبه خواندند.

به نظر می‌رسد مهمترین انگیزه سیاسی مأمون از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) بهره‌برداری از شخصیت معنوی و با نفوذ امام برای سرکوب کردن قیامهای علوی بود که در حجاز، یمن، عراق و اهواز برای مأمون مشکلاتی به بار آورده بود. او با این اقدام توانست از گسترش قیامهای علوی جلوگیری کند و با ایجاد تفرقه و اختلاف در میان علویان به سایر اهداف سیاسی خود برسد.

فضل بن سهل یکی از کسانی بود که به طور جدی از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) حمایت می‌کرد و به گفته مورخان او بود که این پیشنهاد را مطرح کرد.<sup>(۱)</sup> در مورد این که فضل چه انگیزه‌ای داشت اختلاف است. برخی گرایش فضل بن سهل به تشیع را عامل موثر در پیشنهاد او می‌دانند و برخی دیگر خواسته‌ها و آمال سیاسی او را محرک این کار قلمداد می‌کنند. به گفته ابی طقطقی، فضل بن سهل که به علم نجوم آگاهی داشت، به طالع مأمون نگریست و دانست که او به خلافت خواهد رسید و از این رو وی همواره ملازم او بود و در انتظار روزی بود که فرمان و خط و مهرش در شرق و غرب نفاذ یابد.<sup>(۲)</sup>

پیشنهادی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، در واقع تلاشی است برای تبیین انگیزه‌های اصلی مأمون در ولایتعهدی امام رضا(ع).

۱- تاریخ فخری، ص ۳۰۱؛ تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۳ و ۱۸۵.

۲- تاریخ فخری، ص ۷-۳۰۶.



فضل بن سهل که نقشه‌های دور و درازی در سر داشت، به دنبال شرایط مساعدی که بعد از کشته شدن امین و به خلافت رسیدن مأمون و قدرت یافتن ایرانیان در قلمرو خلافت بوجود آمد، بر مأمون استیلا یافت و برای دستیابی به قدرت به هر کاری متوسل شد. او که موفق شده بود مأمون را قانع سازد که مرو را مرکز خلافت قرار دهد و علی بن موسی الرضا (ع) را ولیعهد سازد؛ در صدد برآمد قدرت ایرانیان را در زیر پوشش اسلامی جدید احیا کند و آنان را از زیر سلطه عباسیان رها کند.<sup>(۱)</sup> وی در صدد برآمد بقیه نقشه خود را عملی سازد. به پیشنهاد او مأمون رنگ سبز را، که نشان رسمی ساسانیان بود، جایگزین رنگ سیاه ساخت که نشان عباسیان بود.<sup>(۲)</sup> به پیشنهاد فضل مأمون در سال ۱۹۸ هجری ابالات جبال، فارس، اهواز و بصره و کوفه و حجاز و یمن را به حسن بن سهل داد و طاهر ذوالیمینین را فرمانروای موصل، جزیره، شام و مغرب قرار داد.<sup>(۳)</sup>

هرثمه بن اعین، سردار عرب، که از مخالفان فضل بن سهل بود و در صدد برآمد اخبار عراق را به اطلاع مأمون برساند، با توطئه و بدگویی فضل از او به دستور مأمون کشته شد.<sup>(۴)</sup> فضل بن سهل که در صدد بود از ولایتعهدی امام رضا (ع) در جهت اهداف خود بهره‌برداری کند، با هر اقدامی که ممکن بود نقشه‌های او را خنثی سازد، مخالفت می‌ورزید. به همین جهت چون امام با آن حالت خاصی روانه محل برگزاری نماز عید شدند، فضل بن سهل احساس خطر کرد و از مأمون درخواست کرد که مانع از برگزاری نماز عید به وسیله امام شود.<sup>(۵)</sup>

پس از آن که علی بن موسی الرضا (ع) حوادث بغداد را به اطلاع مأمون رساندند و او از نقشه فضل بن سهل آگاه گردید، به دستور او فضل در سرخس کشته

۱- جهاد الشیعه، ص ۳۶۵.

۲- برای اطلاع بیشتر رک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، یادداشتها، صص ۷-۹۶.

۳- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۶.

۴- همان جا، ص ۳۰-۱۲۹.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۹.

شد<sup>(۱)</sup> و مأمون به خلافت رسید و درصدد برآمد بقیه نقشه خود را عملی سازد.

### تأثیر ولایتعهدی امام رضا(ع) بر اوضاع سیاسی

ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) که در نهایت منجر به انتقال خلافت از عباسیان به علویان می‌گردید، در میان شیعیان و سایر مسلمانان با واکنشهای متفاوتی روبه‌رو شد. مردم بغداد از خبر ولایتعهدی امام(ع) و تغییر رنگ رسمی عباسیان از سیاه به سبز خشمگین شدند و مأمون را از خلافت خلع کردند و در محرم سال ۲۰۲ هجری با ابراهیم بن مهدی عموی مأمون بیعت نمودند.<sup>(۲)</sup> سرداران عباسی نیز به دو دسته تقسیم شدند. برخی بر اطاعت مأمون باقی ماندند و با حسن بن سهل، که از جانب وی والی عراق بود، همکاری کردند و برخی دیگر اطاعت ابراهیم بن مهدی را پذیرفتند.

ولایتعهدی امام در میان شیعیان کوفه با واکنش دوگانه‌ای روبه‌رو شد. به گفته طبری حسن بن سهل، عباس بن موسی، برادر علی بن موسی الرضا(ع) را والی کوفه کرد و به او دستور داد که برای ولایتعهدی امام رضا(ع) از مردم بیعت بگیرد. عده‌ای از مردم کوفه ولایتعهدی امام را پذیرفتند و پوشش سبز به تن کردند، ولی عده‌ای دیگر از مردم شهر حاضر نشدند دعوت او را بپذیرند. آنها لباس سیاه پوشیدند و به عباس بن موسی، والی کوفه، گفتند اگر به نام مأمون و بعد از او برای برادرت دعوت می‌کنی اطاعت تو را نمی‌پذیریم، ولی اگر به نام برادرت و یا یکی از افراد خاندانت و یا خودت دعوت کنی می‌پذیریم.<sup>(۳)</sup> بدین ترتیب شیعیان کوفه، که یکی از مهمترین پایگاههای تشیع بود، به دو بخش تقسیم شدند. آنان که موافق ولایتعهدی امام بودند از عباس بن موسی بن جعفر پیروی کردند و آنان که مخالف بودند علی پسر محمد بن جعفر صادق (محمد دیباج) را به عنوان رهبر روحانی خود برگزیدند

۱- تاریخ فخری، ص ۳۰۳؛ تاریخ طبری، ج ۷، ص ۴۸-۱۴۷.

۲- تاریخ طبری، ح ۷، ص ۱۴۱.

۳- همان جا، ص ۱۴۴.

و ابو عبدالله، برادر ابوالسرایا، فرمانروای نظامی آنان بود. تعدادی از سرداران و نیروهای نظامی که قبلاً از اطاعت مأمون خارج شده بودند و با ابراهیم بن مهدی به عنوان خلیفه بیعت کرده بودند، در کنار علی بن محمد بن جعفر صادق قرار گرفتند و جنگ میان مخالفان و موافقان ولایتعهدی امام رضا(ع) در کوفه ادامه یافت و شهر ویران شد و هر یک از دو گروه که بر اموال دیگری دست می یافت، آن را به آتش می کشید. سرانجام سران کوفه که از ادامه جنگ ناراضی بودند عباس بن موسی بن جعفر را از شهر اخراج کردند.<sup>(۱)</sup> سپس دو تن از سرداران عباسی و همراهانشان که از خلافت ابراهیم بن منصور حمایت می کردند وارد شهر کوفه شدند و به مردم امان دادند و فضل بن محمد بن صباح کندی را به امارت کوفه نشانند و پس از کشته شدن ابو عبدالله، برادر ابوالسرایا، شهر کوفه به تصرف طرفداران ابراهیم بن منصور در آمد و به قیام علویان خاتمه داده شد.<sup>(۲)</sup>

مأمون علاوه بر آن که توانست بر شیعیان کوفه غلبه یابد، برای آرام کردن قلمرو خلافت و غلبه بر مشکلات سیاسی به شرح زیر از ولایتعهدی امام رضا(ع) بهره برداری کرد:

- مأمون در صدد برآمد ابراهیم بن موسی کاظم را که رهبری قیام مردم مکه را به عهده داشت و ولایتعهدی امام را پذیرفته بود و مأمون او را به طور موقت در سمت خود تأیید کرده بود، از مکه دور کند. مأمون در سال ۲۰۲ هجری حکومت مکه را به عبسی جلودی عباسی داد و ابراهیم را مأمور کرد که قیام مردم یمن را سرکوب کند. ابراهیم پس از انجام مأموریت عازم مکه شد، ولی بعد از بازگشت به مکه همراه برادرش زید دستگیر و نزد مأمون فرستاده شد.<sup>(۳)</sup>

- شیعه امامیه، که از اقدامات نظامی علویان حمایت نمی کردند، بعد از ولایتعهدی امام رضا(ع) از زیدیه و سایر علویان که دست به مبارزه نظامی زده بودند

۱- همان جا، ص ۱۴۴.

۲- همان جا، صص ۴۵-۱۴۴.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۴۶۶ و ۴۷۴؛ تاریخ طبری، ج ۷، صص ۵۰-۱۴۹.

بیشتر فاصله گرفتند و باعث پراکندگی بیشتر علویان شدند.<sup>(۱)</sup>

- مأمون بلافاصله بعد از سرکوب قیامهای علوی عراق و حجاز از مرو عازم بغداد شد و فضل بن سهل که از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) حمایت کرده بود، در سال ۲۰۲ هجری به دستور مأمون در سرخس کشته شد و در اوایل سال ۲۰۳ هجری امام رضا(ع) را در توس به شهادت رساند. محمد بن جعفر صادق به همراه مأمون بود، در میان راه فوت کرد و در جرجان به خاک سپرده شد و مأمون در ربیع الاول سال ۲۰۴ هجری وارد بغداد شد.<sup>(۲)</sup>

- تأثیر دیگر ولایتعهدی امام رضا(ع) بر قیامهای علوی آن بود که بعد از آن قیامهای علوی فروکش کرد و با آن که مذهب تشیع گسترش یافته بود و شرایط سیاسی هم مساعد بود، هیچ یک از علویان تا سال ۲۰۷ هجری قیام نکردند.

- مردم عراق که در پی کشته شدن امین و غلبه یافتن فضل بن سهل بر مأمون و ولایتعهدی امام رضا(ع) مأمون را از خلافت خلع کرده بودند، بعد از شهادت امام دست از کینه و عناد برداشتند و چون مأمون وارد بغداد شد، ابراهیم بن مهدی، که ۲۳ ماه خلیفه بود، مخفی شد و مخالفت پایان یافت و مردم بغداد هیچ گونه واکنشی از خود نشان ندادند.<sup>(۳)</sup>

### رابطه مأمون و علویان بعد از شهادت علی بن موسی الرضا(ع)

مأمون برای آن که وانمود کند در شهادت علی بن موسی الرضا(ع) نقشی نداشته است، پس از ورود به بغداد به دلجویی علویان پرداخت و هدایایی برای امام جواد(ع) فرستاد و فدک را به علویان بازگرداند و با کاهش خراج سواد به نفع پرداخت کنندگان، درصد درآمد رضایت شخصیت‌های بزرگ و کشاورزان سواد را

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۶. ۲۸-۱۳۷. ۳۱۱-۳۱۲ ربه، المجلد ۱-۱

۲- تاریخ فخری، ص ۲-۳۰۱؛ تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۵۴. ۳۱۱-۵۲ ربه، المجلد ۲-۲

۳- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۵۱-۵۴. ۳۱۱-۳۱۲ ربه، المجلد ۲-۲

به خود جلب کند و ارتباط آنها را با فعالیتهای انقلابی علویان قطع کند.<sup>(۱)</sup>  
 آخرین قیام علوی دوره خلافت مأمون که بعد از ورود او به بغداد روی داد، قیام عبدالرحمن بن احمد علوی در یمن بود. او به سال ۲۰۷ هجری علیه والیان عباسی که با مردم بدرفتاری می کردند، قیام کرد و مردم با وی بیعت کردند؛ ولی شرایط به نحوی بود که امید پیروزی برای عبدالرحمن وجود نداشت، زیرا مأمون همه قیامهای علوی را سرکوب کرده بود و بر مخالفان خود در بغداد غلبه یافته بود و آمادگی آن را داشت که هر قیامی را سرکوب سازد. مأمون سپاهی به سرداری دینار بن عبدالله به جنگ عبدالرحمن بن احمد فرستاد و امان نامه ای نیز برای وی به دینار داد. عبدالرحمن که مقاومت را بی فایده دانست، اطاعت مأمون را پذیرفت و دینار او را نزد مأمون برد.<sup>(۲)</sup>

مأمون که پس از ورود به بغداد و تا پیش از قیام عبدالرحمن بن احمد نسبت به علویان مدارا می کرد، بعد از آن موضع ضد علوی خود را آشکار کرد. او بعد از آن به علویان اجازه ورود به کاخ خلافت نداد و علویان را وادار کرد لباس سیاه بپوشند و چون یمن یکی از مراکز قیامهای علوی بود، برای مقابله با آنان محمد بن ابراهیم بن زبیدی را، که یکی از نوادگان زیاد بن ابیه و از دشمنان سرسخت علویان بود، والی یمن کرد.<sup>(۳)</sup>

۱- همان جا، ص ۱۵۶؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۷.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۶۹.

۳- جهاد الشیعه، صص ۷۶-۳۷۵.

## فهرست منابع و مآخذ

- ابراهیم حسن، حسن: تاریخ الاسلام، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۶۴.
- ابن اثیر: الكامل فی التواریخ، دار صادر، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲.
- ابن بابویه قمی: عیون اخبار الرضا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
- ابن طقطقی: تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۶۰.
- اصفهانى، ابوالفرج: مقاتل الطالبیین، مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، قم، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۲.
- حسین، جاسم: تاریخ غیبت سیاسی امام دوازدهم، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت‌اللهی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷.
- سیوطی: تاریخ الخلفاء، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۴/۱۹۹۳.
- طبری: تاریخ الامم و الملوک، مطبعة الاستقامة، قاهره ۱۳۵۸/۱۹۳۹.
- عاملی، مرتضی: زندگی سیاسی امام رضا (ع)، ترجمه دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۵.
- فضل‌الله، محمد جواد: تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع)، ترجمه سید محمد صادق عارف به بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶.
- کلینی: اصول کافی، ترجمه و شرح دکتر سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیة. مختار الیشی، سمیره: جهاد الشیعه، دارالجیل، بیرون ۱۳۹۶/۱۹۷۶.
- مسعودی: مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷.
- مظفر، محمد حسین: تاریخ الشیعه، دارالزهرا، چاپ دوم، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۲.